

بررسی تطبیقی ساختار موسیقایی شعر کودک عربی و فارسی

* مریم سلیمی

تاریخ دریافت: ۹۷/۵/۱۹

** جواد گرجامی

تاریخ پذیرش: ۹۷/۹/۲۷

*** عادل آزاددل

چکیده

امروزه ادبیات و شعر کودک و جایگاه آن در مجموعه موضوعات ادبی، توجه بسیاری از ادیبان و اهل فن در این حوزه را به خود جلب نموده است. ایجاد لذت از نثر یا نظم، مقدمه ایجاد ارتباط شاعر یا نویسنده با کودک است. در این میان، شعر به دلیل ساختار موسیقایی و آهنگین بودن و ایجاد لذت شنیداری، برای کودکان دارای جذابیتی وافر است. شعر کودک با بهره مندی از زبان، ساختار، وزن و درون مایه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و همانند انواع دیگر ادبی دارای مؤلفه‌های ساختاری مشخصی است که آن را از شعر بزرگسال متمایز ساخته است. در این مقاله، به منظور مقایسه کیفی، ضمن تحلیل مهم‌ترین مؤلفه‌های آن، جایگاه موسیقی شعر کودک در راستای شکل‌گیری زبان شعر کودکانه مورد تبیین قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد، ساختار موسیقایی شعر کودک به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم زبانی، به واسطه حضور عینی و ملموس خود نقش زیادی در انتقال محتوای شعری به مخاطب کودک داشته و این امر در نهایت می‌تواند عامل پیوندی میان کودک و متن شعری باشد.

کلیدواژگان: شعر کودک، موسیقی، زبان، تکرار، وزن، قافیه.

M.salimi135@gmail.com

Javad.garjami@gmail.com

azaddel@uma.ac.ir

* استادیار دانشگاه محقق اردبیلی.

** استادیار دانشگاه محقق اردبیلی.

*** استادیار دانشگاه محقق اردبیلی.

نویسنده مسئول: مریم سلیمی

مقدمه

شعر کلامی است آهنگین و موزون که به بیان اندیشه و عواطف به شکلی موجز و با استفاده از کیفیات ذوقی می‌پردازد. شعر کودک نیز به طور نسبی از این شاخصه برخوردار است. به همین ترتیب، شعر کودک نیز مثل شعر بزرگسال می‌تواند در قالب‌های کلاسیک با استفاده از وزن و قافیه یا قالب‌های جدید؛ اما با تکیه بر کیفیات، آهنگین نشان داده شود (پولادی، ۱۳۸۴: ۴۲).

ادبیات شفاهی کودکان، سازگار با درک و فهم کودکان و ذوق و نیازهای آن‌ها به زبان‌ها و گویش‌های مردم پدید آمده و کالبد‌های گوناگون از نظم و نثر تا ترانه و افسانه پیدا کرده است.

ضرورت و اهمیت این تحقیق به ضرورت و اهمیت تبیین سرچشمه‌های فرهنگی و تاریخی دو ادب عربی و فارسی و همانندی‌ها و تفاوت‌های بین آن‌ها در قالب شعر کودک و استفاده از تکنیک موسیقایی در اشعار مربوط به کودک در آثار شاعران عربی و فارسی مرتبط است.

نگارندگان این مقاله با بررسی نمونه‌هایی از اشعار عربی و فارسی بر اساس روش توصیفی تحلیلی که از روش‌های بررسی و تحقیق مرسوم میان رشته‌ای است، ضمن نگاه کلی به شعر کودک، ساختار موسیقایی این نوع از شعر را در ادبیات عرب و ایران مورد بررسی قرار داده‌اند. بیان شده است که شعر کودک در دو ادبیات عربی و فارسی از چه جایگاهی برخوردار است، ساختار موسیقایی آن به چه شکلی بوده است، چه شاعرانی بدان توجه کرده‌اند و انگیزه و هدف آن‌ها چه بوده است؟

از سوی دیگر، مطالعات تطبیقی، گذشته از نمایش تضارب اندیشه‌ها و تعامل فرهنگ‌های مختلف، بیانگر این است که افکار انسان‌ها از یک اصل سرچشمه می‌گیرد و با وجود اختلافات فرعی، نوعی خویشاوندی در بین آدمیان در سراسر جهان وجود دارد. مطالعه و بررسی شعر کودک عربی و فارسی، روشی سودمند برای یافتن مشترکات میان این نوع از خلق ادبی است که می‌تواند اهمیت و جایگاه شعر کودک را به عنوان یک پدیده ادبی مشترک در دنیای معاصر آشکار نماید.

می‌توان گفت اولین خاستگاه ادبیات و شعر کودک را باید در فرهنگ ملت‌ها جست‌وجو کرد. اهمیت این نوع ادبی از اواخر قرن ۱۷م در اروپا پدیدار گشت و به ویژه در فرانسه و بعد از ظهور آراء ژان ژاک روسو و انتشار داستان‌های «هزار و یک شب» عربی قوام یافت (العیسی، ۲۰۰۷: ۲۴)، در کشورهای عربی و ایران نیز با توجه به اشتراکات فراوان دینی، فرهنگی و تاریخی، ادبیات و شعر کودک پیشینه‌ای چند هزار ساله دارد. اما در دوره معاصر حرکت‌های چشمگیری در زمینه ادبیات کودک شکل گرفته است که به صورت گسترده به انجام پژوهش‌های مختلف در این مورد پرداخته‌اند. در چند دهه اخیر آثار ادبی برای کودکان عرب با تلاش شاعران بزرگ عرب به آن مانند سلیمان العیسی، زکریا تامر و... رو به ترقی و پیشرفت نهاده است. در ادب فارسی دوره معاصر نیز، همزمان با انقلاب مشروطه در ایران، با رشد ادبیات عامه، شعر کودک نیز مطرح شد؛ شاعرانی همچون ایرج میرزا، یحیی دولت‌آبادی، محمد تقی بهار و دیگر شاعران اشعاری برای کودکان سرودند؛ می‌توان ایرج میرزا را به عنوان اولین شاعری که برای کودکان شعر سرود نام برد (غفاری، ۱۳۷۹: ۹).

بر اساس یافته‌ها «آنچه ادبیات کودکان را از ادبیات بزرگسالان متمایز می‌کند، تفاوتی است که میان نیازها و امکانات کودکان و بزرگسالان وجود دارد» (ایمن و دیگران، ۱۳۵۴: ۱)؛ این در حالی است که، شعر کودک نیز مانند شعر بزرگسال دارای عناصر متعددی از جمله موسیقی، خیال، عاطفه و دیگر انواع آرایه‌های هنری می‌باشد (گرجامی، ۱۳۹۴: ۷). اما آنچه مهم است، بیش‌ترین اهمیت در شعر کودک، در ارتباط با تعلیم و تربیت کودکان است.

پیشینه پژوهش

از زمانی که شعر کودک در ادبیات شناخته شد، پژوهشگرانی نیز به نوشتن کتاب یا مقاله در مورد شعر کودک پرداخته‌اند؛ اما باید گفت مطالعه آن آثار نشان می‌دهد گفته‌های آن‌ها به صورت گذرا و پراکنده است، ولی در این مقاله با نگاه کلی به جایگاه شعر کودک به بررسی ساختاری شعر کودک در شعر عربی و فارسی از منظر موسیقایی نیز پرداخته شده است. اما در ارتباط با عنوان مقاله حاضر، به شکل مجزا و محدود،

آثاری وجود دارد که به طور مستقل ادبیات کودک هر کشور در آن بررسی شده است که نمونه‌هایی از آن‌ها را برمی‌شماریم: کتاب «من قضایا أدب الأطفال» (۱۹۹۴م)، به قلم محمد مرتاض که دیوان المطبوعات الجامعية آن را چاپ کرده است. همچنین مقاله «ادبیات کودک در ادبیات معاصر عربی» از اکرم نظام دوست (۱۳۹۰) و «بررسی تطبیقی شعر کودک در سروده‌های احمد شوقی و ایرج میرزا» از جهانگیر امیری و همکاران (۱۳۹۳).

در ایران نیز ساختار شعر کودک در معدود کتاب‌ها و مقالات مورد مطالعه قرار گرفته است. از جمله کتاب «بررسی و تحلیل ادبیات کودک از آغاز تا دهه هفتاد» به قلم علی کاشفی که نویسنده در آن به ارائه کلیاتی در خصوص شعر کودک پرداخته است. نیز کتاب «شعر کودک از آغاز تا امروز» نوشته سید مصطفی گرمارودی (۱۳۸۲) که مؤلف در آن ضمن ارائه نمونه‌هایی از شعر کودک و تاریخچه کلی آن، با نگاهی آسیب شناسانه به این موضوع پرداخته است. همچنین مقاله «بررسی محتوایی شعر کودک در دهه هفتاد» (۱۳۸۶) نوشته مهدی زرقلی که در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد به چاپ رسیده است.

تعریف شعر کودک

همانطوری که در تعریف شعر به طور اخص، نظرهای گوناگونی ارائه شده است و تعاریف گوناگونی برای شعر است، شعر کودک نیز از این قاعده مستثنی نیست. در تعریف شعر کودک، یمینی شریف می‌گوید: «شعر کودک کلامی است موزون و زیبا، چه از حیث ترکیب اصوات و کلمات، چه از حیث مضمون در مورد اشعار بی معنی، زیبایی ترکیب اصوات و کلمات کافی است اما در مورد اشعار دیگر باید هر دو عامل زیبایی در آن‌ها وجود داشته باشد. شعر کودک بر پایه موسیقی اصوات و کلمات بنا شده است و وسیله‌ای است برای بازی، حرکت و آواز او» (سهراب، ۱۳۷۲: ۱۵۵). از این رو در تعریف شعر کودک، سادگی زبان، صمیمی بودن بیان و موسیقی بسیار مورد تأکید قرار دارد. «زمانی شعری را کودکانه می‌توان نامید که روان، ساده، صمیمی، پر محتوا، نغز و ناب باشد» (علی پور، ۱۳۷۹: ۴۱).

این نوع از شعر باید دارای حس کودکانه بوده و از تجربه‌های کودکان برخوردار باشد. همچنین می‌توان گفت کودک با شعر زندگی می‌کند، عشق می‌ورزد به شرطی که شعر کودک، دارای مفاهیمی کودکانه باشد نه دارای اندرزهای پدربزرگانه و مادربزرگانه، پس شعر کودک باید شعر زندگی و شعر زیستن باشد. شعر شور و شوق و نشاط باشد. شعر کودک باید شعر ناب باشد و در واقع شعر کودک باید شعر کودک باشد (پولادی، ۱۳۸۷: ۲۹۱)؛ اما «بنیادی‌ترین واقعیت که می‌تواند مبنای هر نظریه پردازی در حوزه ادبیات کودک باشد، این است که ادبیات کودک را کودک نمی‌آفریند» (خسرونژاد، ۱۳۸۹: ۳۰).

ساختار زبانی

زبان وسیله‌ای ارتباطی و حیاتی در زندگی بشر است که در تعریفی ساده عبارت است از نظامی که در آن، مفاهیم یا معانی ذهنی از طریق قالب‌های زبانی (واژه، عبارت، گروه، جمله واره، جمله و یا متن) و به صورت نشانه، صوت و نوشتار منتقل و درک می‌شود. زبان را از دیدگاه درون زبانی عموماً به سطوح و ساختارهای گوناگون تقسیم کرده‌اند؛ از جمله آوایی، دستوری (صرفی و نحوی)، واژگانی (لغوی)، معنایی (محتوایی)، سبکی و همانند آن‌ها (قلی زاده، ۱۳۸۳: ۱). بدون شک زبان شعری یکی از مهم‌ترین برجسته‌ترین مؤلفه‌های متن شعری به حساب می‌آید. البته این زبان شعری با زبان معیار و هنجاری که روزانه در گفت‌وگوها و ارتباطات روزمره با آن صحبت می‌شود، متفاوت است (گرجامی، ۱۳۹۴: ۷).

برخی از ناقدان و صاحب‌نظران شعریت شعر را در حوزه زبان می‌بینند. چنانکه یاکوبسن شعر را «کارکرد زیبایی شناسیک» و یا «هجوم سازمان یافته و آگاه به زبان هر روزه» می‌داند (احمدی، ۱۳۷۲: ۶۸). بدون تردید می‌توان گفت، فرایند تبدیل زبان معیار به زبان ادبی، در شعر کودک نیز، فرایندی همانند تبدیل زبان به شعر در حوزه ادبیات بزرگسال است. تعبیر مذکور به این معنا نیست که شعر کودک، ساختی مجزا از تمامی پیکره شعر دارد، بلکه به این معناست که شعر کودک شاخه‌ای از پیکره تنومند شعر است اما با ویژگی‌هایی خاص که آن را به این حوزه متعلق می‌کند. به عبارت دیگر

آبشخور اصلی آن، همان سرچشمه اصلی شعر است. گاهی از بحث‌هایی که در این زمینه صورت می‌گیرد، چنین استنباط می‌شود که شعر کودک صورت «تقلیل یافته» شعر بزرگسال است، اما واقعیت این است که در این مورد، بحث «تقلیل و تکثیر» مطرح نیست؛ بلکه بحثی به نام «مناسبت» و «مقتضای حال» مطرح است. ساختار از نظر صورت‌گرایان و ساختارگرایان، موضوعی اساسی در شعر محسوب می‌شود. در نقد ساختاری نیز، بیش‌تر توجه بر روساخت اثر است، تا بدین وسیله زوایای زبانی کلام بررسی شده و نوآوری‌های ساخت اثر کشف گردد. بر این اساس محور ادبیت بر شکل زبان استوار می‌گردد و راه ورود زبان شناسی به ساخت ادبیات گشوده می‌شود (آقاحسینی، ۱۳۹۰: ۷).

ساختار موسیقایی

موسیقی یکی از عناصر مهم و سازنده شعر است که کلام را برجسته ساخته و سبب تمایز زبان کلام منظوم و منثور می‌شود. بررسی این رکن از اشعار، همچنین پیوندی که میان آهنگ کلام با عناصر دیگر وجود دارد، امری مهم است. شعر و موسیقی پیوندی محکم و ناگسستنی دارند که عموم اهل هنر و ادب، بدان معترف‌اند. دکتر شفیع‌ی کدکنی در این باره می‌گوید: «هیچ ملتی را نمی‌شناسیم که از موسیقی بی بهره باشد. باید بپذیریم که موسیقی، پدیده‌ای است در فطرت آدمی و عواملی که آدمی را به جست‌وجوی موسیقی می‌کشانده، همان کشش‌هایی است که او را وادار به گفتن شعر می‌کرده است و پیوند این دو سخت استوار است؛ زیرا شعر در حقیقت موسیقی کلمه‌ها و الفاظ است و غنا، موسیقی آهنگ‌ها و الحان» (شفیع‌ی کدکنی، ۱۳۸۶: ۴۴) و بدیهی است که کلمات و واژگان جلوه‌های موسیقایی کلام را به وجود می‌آورند و نوع کلمات و چینش آن‌ها در یک ترکیب، ساختار موسیقایی را خلق می‌کند.

موسیقی شعر در حقیقت، عبارت است از نظم خاصی که در محور افقی و عمودی شعر وجود دارد. به عبارت دیگر، هماهنگی میان واژه‌ها، صامت‌ها و مصوت‌ها و هرگونه آرایه زیباشناختی و بدیعی که به سبب آن معنا در بافت شعر شکل می‌گیرد و نظام می‌یابد. موسیقی شعر، عبارت است از مجموعه عواملی که به اعتبار آهنگ و توازن سبب

رستاخیز کلمات و تشخیص واژه‌ها در زبان می‌شوند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۸). دکتر عیسی علی‌العاکوب نیز درباره موسیقی شعر می‌گوید: «اصطلاح موسیقی شعر در نقد ادبی جدید شامل سه عنصر است: ایقاع، وزن و قافیه؛ و هنگامی که مفهوم قافیه از وزن و ایقاع مشخص‌تر باشد، ممکن است در اذهان نوعی التباس نسبت به وزن و ایقاع پیش آید. اما ایقاع در شعر قدیم عربی، به این معناست که تفعیله‌های یک بیت تکرار گردند و موجب ایجاد نغمه در آن شوند و اما وزن، یعنی اینکه این نغمه‌های شعری تکرار گردند» (العاکوب، ۱۴۲۳: ۲۲۳). پیدایش شعر معاصر عربی و فارسی هرچند توانست نگرش سنتی حاکم بر موسیقی شعر را دگرگون ساخته و تا حدودی معادلات حاکم بر مؤلفه‌های موسیقی شعر سنتی را بر هم بزند، ولی با وجود این هرگز نتوانست خود را از چهار چوب موسیقی عروضی برهاند. بدین ترتیب، موسیقی کلام یا به تعبیری، ساختار موسیقی، حاصل حسن ترکیب همه اجزای سخن است و اجزای سخن؛ صامت‌ها، مصوت‌ها و تکیه‌ها، وزن، قافیه و ردیف است. قافیه علاوه بر اینکه بر قافیه انتهایی که کلمات هم‌آهنگ و یا واژه‌هایی که آخرین هجایی آن‌ها ارزش موسیقی یکسان دارد اطلاق می‌شود، «گاهی هم‌آهنگی کلمات در داخل مصراع‌ها نیز به وجود می‌آید و بر موسیقی وزن شعر می‌افزاید، نام قافیه میانی را بر خود حمل می‌کند. افزون بر این دو قافیه، قافیه آغازی نیز وجود دارد. پس همانگونه که ملاحظه می‌شود شعر بیش‌تر از وزن عروضی به قافیه نیاز دارد. در ترتیب قافیه‌ها باید چنان باشد که میان آهنگ آن‌ها، میان ضربه‌های یکسان آن‌ها، فاصله طولانی نیفتد، زیرا که فاصله طولانی موجب پایان یافتن موسیقی آن‌ها و نافی وظیفه آن‌ها می‌شود» (کیانوش، ۱۳۵۲: ۶۳). موسیقی کناری نیز یکی از مهم‌ترین عناصر موسیقایی است. «جلوه‌های موسیقی کناری تنوع گسترده‌ای دارد و آشکارترین نمونه‌های آن قافیه و ردیف است» (محسنی، ۱۳۸۲: ۱۱). استفاده به جا و درست قافیه و همین‌طور بکارگیری فراوان آن بر غنای موسیقی کناری می‌افزاید.

ساختار موسیقایی شعر کودک

کودک در تعامل با ادبیات آن را به صورت غیر ارادی یاد می‌گیرد. «او از آهنگ کلمات لذت می‌برد و گاه آن را حس می‌کند. شعر را حفظ می‌کند و چنین کاری

پایه‌های درک زیبایی شناسی وسیع‌تری را در ذهنش ایجاد می‌کند. استفاده از شبه جمله و اسم صوت در شعر خردسالان هنری است که شاعر بر اساس کشف ذهنی کودک آن را برمی‌گزیند تا شعر برای او لذتبخش‌تر شود» (جلالی، ۱۳۹۰: ۳).

«کودک پیش از آنکه در موسیقی کلامی با شعر به اوزان یا بحور شعری برسد. موسیقی قافیه را می‌شناسد و برای او شعر بودن کلام به قافیه داشتن آن مشخص می‌شود. این تشخیص بر آهنگ یا موسیقی قافیه استوار است. شعر عامیانه نیز که اوزان آن هجایی و ترانه‌ای است و به ندرت به اوزان عروضی نزدیک می‌شود، بر پایه دوستی قافیه استوار است» (کیانوش، ۱۳۵۲: ۵۹).

موسیقی که از وزن شعر به دست می‌آید، در ادبیات کودکان بسیار مهم است اما آنگونه که در ادبیات بزرگسالان است، مهم تلقی نمی‌شود. آنچه در ادبیات مهم است، «این است که شعر کودک حتماً باید از وزن و قافیه برخوردار باشد اما مهم نیست که از نظر وزن و قافیه تعادل منطقی داشته باشد» (ناظمی، ۱۳۸۵: ۱۷).

وزن شعر کودک هرچه به ریتم صداهای کوتاه و ساده موجود در محیط نزدیک‌تر باشد. برای کودک دلچسب‌تر و جذاب‌تر است. اصل در شعر کودک داشتن قافیه است. ولی گاهی هم ممکن است، کم قافیه یا بی‌قافیه باشد؛ به عبارتی، شعر کودک از لحاظ معنا و مفهوم می‌تواند بی‌معنی بوده و فقط دارای وزن باشد و چه دارای معنی‌های مختلف و غیر مرتبط باشد. شعری که در آن فقط لفظ و آهنگ کلمه و وزن حاکم باشد. از سوی دیگر، قالب شعر کودک باید کوتاه و سبک بوده و طول شعر یا تعداد ابیات آن باید کم باشد جز داستان‌ها، شرح وقایع و مثل‌ها که ممکن است بلند باشد (همان).

از این رو، شاعران کودک سعی می‌کنند، قالب و ساختار موسیقایی شعرشان متناسب با فهم و درک کودک و علاقه‌مندی‌های کودک باشد و زبان شعرشان ساده محاوره‌ای و متناسب با دنیای واژگانی کودک شود.

تکرار

یکی از مؤلفه‌های بارز ساختار موسیقایی در شکل بخشیدن به موسیقی شعر کودک، پدیده تکرار می‌باشد که عبارت است از حرکت متناوب و قانونمند یک واژه اعم از فعل یا

اسم یا حرف در مجراهای گفتاری شعر که از ارزش موسیقایی بالایی برخوردار می‌باشد. این پدیده باعث خلق صنعت واج آرایه یا نغمه حروف (Noitartilla) در شعر می‌شود که بی گمان موسیقی سخن را افزون و گوش نواز می‌سازد و تناسب صوتی و سیمایی دلپذیر بدان می‌بخشد. «شاعر با این شیوه، آگاهانه موسیقی می‌آفریند و بر حسن تأثیر تصویر آفرینی و القای حس و حال و انتقال پیام خود در شعر می‌افزاید» (جمالی، ۱۳۸۳: ۶۵). به دیگر سخن، یکی از مسائلی که در نهایت به غنای موسیقایی انجامیده است، وجود گونه‌های مختلف تکراری در ساختار زبانی متن شعری کودک است.

تکرار حرف یکی از پر بسامدترین گونه تکرار در متون شعری کودکانه می‌باشد. با توجه به اینکه این نوع تکرار رابطه مستقیمی با تجربه شعری و یافته‌های درونی مخاطب دارد، از ارزش معنایی بالایی برخوردار بوده و یکی از عناصر جدایی ناپذیر در ساختار موسیقایی شعر کودک است.

به عنوان نمونه العیسی شاعر معاصر عرب در شعر زیر با بهره‌گیری از کارکرد آوایی منحصر به فردی که در حرف «الف» ایجاد نموده، از آن عنصری متحرک و پویا ساخته است. از این رو تکرار پر بسامد آن توانسته است، عاملی مهم در به حرکت درآوردن ساخت‌های مختلف متن شعری به شمار آمده و شعر را از فضای سکوت و ایستایی بیرون آورده است:

«بابا بابا/ یومک طابا/ دمت ربیعاً دمت شبابا/ لی ولأجل/ الوطن
الغالی/ یعمل بابا/ دون ملال/ بابا یتعب حتی نکبر/ نبنی نحن الوطن الأكبر/
وطنی الأكبر/ وطنی العربی/ ضاء وحرراً/ عبر الحقب/ بابا صورتک المحبوبة/
فی قلبی أبداً مکتوبة/ بابا بابا/ یومک طابا» (العیسی، ۲۰۰۵: ۱۰)

شاعر در این ابیات، با تکرار کردن مصوت الف که خود به تنهایی جایگاهی در شعر عربی ندارد، با تکرار مداوم آن شعر را از موسیقی بی‌نظیری برخوردار کرده است. شاعر در بیان مفاهیم شاد و طرب انگیز کودکانه بکار رفته در شعر، نیازمند کشش بیش‌تر در کلام است، بنابراین با پناه بردن به مصوت‌های بلندی مثل «آ» این امر را بیش‌تر جلوه‌گر ساخته و بهتر به مخاطب خویش عرضه می‌دارد و این چه بسا به سبب ریتم ضربی و کششی این نوع مصوت‌هاست. فضای شعر العیسی، با توجه به موضوع آن که با روز پدر

ارتباط دارد، به نوعی عید و خوشی را برای کودک به تصویر می‌کشد و در این میان، شاعر با استفاده از نغمه حروف و تکرار مصوت الف، موسیقی شعرش را برای کودک دلپذیر کرده است.

بیان صفدی شاعر دیگر عرب نیز با تکرار حروف «الف و ن» را در شعر زیر، بر غنای موسیقایی شعر خود افزوده است:

«مَنْ أَعْطَانِي / نَهْرَ حَنَانٍ / مَنْ رَبَّانِي / لِلْأَوْطَانِ / أُمِّي أُمِّي / كَفُّكَ عِنْدِي / طَيْرٌ
سَلَامٍ / يَنْشُرُ حَبًّا / فِي أَيَّامِي / أُمِّي أُمِّي / فِي سِنَوَاتِ / الْعَمْرِ الْحُلُوءَةِ / تَبْقَى
أُمِّي / أَحَلِي عَنُوءَةً / أُمِّي أُمِّي / لَكَ يَا أُمِّي / كُلُّ الْحُبِّ / أُمِّي أُمِّي» (صفدی، ۱۹۹۸: ۹)

شاعر در این ابیات از زبان کودک به وصف مادر پرداخته است، با تأمل در این شعر مشخص می‌شود که گذشته از ساختار واژگانی و معانی ساده که شاعر برای شعر برگزیده، از نظر ساختار موسیقایی نیز سعی در برقراری ارتباط عاطفی با کودک دارد. او با استفاده از پدیده تکرار سخنش را آهنگین کرده و از این رو فهم آن را برای مخاطب خردسال خویش آسان نموده است.

در نمونه بعدی، معشوق حمزه شاعر معاصر عرب، در شعر «الساعة» از تکرار در ساختار موسیقایی با ظرافت و لطافت خاصی بهره برده و برای یادگیری آموزه‌های اجتماعی و اخلاقی کودک دست به خلق ابیاتی زده است که موسیقی آن با اندیشه کودک سازگاری بیش‌تری دارد:

«دَقَّتْ... دَقَّتْ / وَسَطَ الْبَيْتِ / قَلْتُ لَهَا / قَوْلِي / مَنْ أَنْتِ؟ / قَالَتْ إِسْمَعُ / هَذَا صَوْتِي /
تِك... تِك / كُلُّ الْوَقْتِ / هَيَّا أَسْرِعْ / لِلْمَغْسَلَةِ / وَاغْسِلِ / وَانْشِفِ / بِالْمَنْشَفَةِ / وَافْطِرِ / وَادْهَبِ /
لِلْمَدْرَسَةِ» (معشوق حمزه، ۱۹۸۵: ۲۴)

شاعر در ابیات فوق با تکرار واژه و نیز حروف و به عبارتی استفاده از صنعت واج آرابی، فضایی مفرح و شاد خلق کرده تا مکالمه‌ای آموزنده و در عین حال شیرین میان کودک و ساعت ایجاد نماید، ارتباطی که اگر عنصر تکرار را از آن حذف کنیم، چه بسا پذیرش آن برای کودک ملال آور و کسل کننده و یادگیری آن همراه با رنج و اکراه باشد. کیلانی نیز در شعر زیر از پدیده تکرار در واج، برای غنای بلاغی و موسیقایی شعر کودکان خود استفاده کرده و قصه خرگوش را اینگونه برای کودک عرب بازگو می‌کند:

«سَمِعَ الْأَرْنَبَ/ عِنْدَ الْجَيْسِرِ/ صَوْتُ رِصَاصٍ/ فَمَضَى يَجْرِي/ حِظُّ نَجَاهُ/ مِینِ
عِنْدَ اللَّهِ/ نَجَى الْأَرْنَبَ/ طُولَ الْعَمْرِ/ إِسْمَعْ مِینِ مَا أَحْكِيهِ/ إِسْمَعْ قَوْلِي فَكَّرْ
فِيهِ/ إِسْمَعْ مِینِ قِصَّةِ أَرْنَبٍ/ إِسْمَعْ تَفْهَمُ أَسْمَعُ تَعْجَبُ» (کیلانی، بی تا: ۴۶)

تکرار حروف «س، ص، ج، ن و ف» در این شعر کاملاً محسوس است، به طوری که نوعی نغمه حروف را در تمامیت شعر پدید آورده است؛ عاملی که باعث ایجاد موسیقی درونی در میان کل ابیات شده و به بار موسیقایی شعر افزوده است.

تکرار آوا یا اسم صوت نیز به عنوان یکی از موارد تکرار نقش مهمی در شعر کودک عربی دارد. تکرار اسم صوت القای تجربه شنیداری است که علاوه بر تصویرسازی در ذهن کودک می‌خواهد تا او از شعر بیش‌تر لذت ببرد. به عنوان نمونه به شعر زیر از سلیمان العیسی اشاره می‌شود که شاعر در آن برای بیان اغراض و مفاهیم خویش، آوای «ماما» را در شعر تکرار کرده و به وسیله آن به غنای موسیقایی شعر نیز افزوده است.

«ماما ماما/ یا أَنْغَامًا/ تَمَلُّا قَلْبِي/ بِنْدِي الْحَبِّ/ أَنْتِ نَشِيدِي/ عِيدِكِ عِيدِي/ بِسْمَةِ
أُمِّي/ سِرٌّ وَجُودِي/ أَنَا عَصْفُورٌ/ مِلَّاءِ الدَّارِ/ قُبْلَةً مَامَا/ ضَوْءِ نَهَارِي/ افْتَحْ عَيْنِي/ عِنْدَ
الْفَجْرِ/ فَأَرِي مَمَّا/ تَمَسَّحُ شَعْرِي/ أَهْوِي مَامَا/ أَفْدِي مَامَا» (العیسی، ۲۰۰۵: ۱۰)

شاعر در این ابیات از زبان کودک، روز مادر را تبریک گفته و دست به خلق رابطه عاطفی عمیقی میان مادر و کودک می‌زند.

در نمونه دیگری کامل کیلانی نیز در شعر «نشید الدیک» از تکرار اسم صوت در شعر خود استفاده نموده است.

«إِسْتَيْقِظُوا/ كُوكُو كُوكُو/ مِینِ نَوْمِكُمْ/ كُوكُو كُوكُو/ إِيَّاكُمْ/ أَنْ تَتْرَكُوا أَعْمَالَكُمْ/ كُوكُو كُوكُو»
(کیلانی، بی تا: ۱۰۰)

مشاهده می‌شود، در ابیات بالا اسم صوت «کوکو ککو» به صورتی کاملاً ظریف و آهنگین تکرار شده است. کیلانی شاعری است که در بهره‌گیری از تکرار آواها در شعر خود موفق عمل کرده و در شعر دیگری با همین مضمون، تکرار را در آواهای مختلفی که با فهم و ذهنیت کودک سازگارتر است، به نمایش می‌گذارد:

«الدِّيكُ يَصِيحُ:/ يَا عَوْ عَوْ عَوْ:/ لَنْ نَنسَاكَ/ الْكَلُّ يُرْدَدُ:/ لَنْ نَنسَاكَ/ كَاك، كَاك،/ قَرْنُ الْبَقْرَةِ يَتَحَدَّاكُ/ الْكَلُّ يُرْدَدُ:/ يَتَحَدَّاكُ/ كَاك كَاك/ نَهَقَ حِمَارٌ حِينَ رَأَاكَ/

الكلُّ يُردِّدُ: حين رَأَى / كاك كاك / نطَّ الكلبُ: عَضَّ قفاك / الكلُّ يُردِّدُ: عَضَّ قفاك / كاك كاك / كاك / لن ترجع، إيتاك / كاك كاك. نحن جميعاً لا نخشاك / الكلُّ يُردِّدُ: لا نخشاك» (کیلانی، بی تا: ۵۴)

موسیقی بر آمده از تکرار آواهای «عو عو عو» و «كاك كاك كاك» در ابیات بالا، موجب به وجود آمدن موسیقی درونی در شعر شده و چه بسا موسیقی تکرار صامت‌ها در این شعر بیش‌تر از مصوت‌هاست.

تکرار فعل و اسم نیز در مبحث تکرار مربوط به ساختار موسیقایی در شعر عربی و فارسی، قابل بحث است. ساختار دستوری جملات، نوع تکرار را در شعر عربی کودکان تحت تأثیر قرار داده است در زبان عربی ممکن است یک فعل به تنهایی بار معنایی جمله مستقل را پیدا کند. به عنوان نمونه شعر زیر از سلیمان العیسی، که در آن فعل «طیری» در مصرع‌های مختلف تکرار شده و گذشته از اینکه بر بار معنایی شعر افزوده، ساختار موسیقایی شعر را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

«طیری بنا طیری / مثل العصافیر / یا مرکب الأحلام / یا بسمة النور / طیری إلى الوریاء / طیری إلى الأمام / أحلی من الأنسام / بین الأزهیر / أرجو حتی طارت / عصفورة صارت» (العیسی، ۲۰۰۵: ۵)

شاعر در شعر دیگری با عنوان «للجمیع» نیز از تکرار اسم «للجمیع» برای غنای موسیقایی شعر خود بهره می‌برد:

«النور للجمیع / والحب للجمیع / وأرضنا السمرء / والخیر والعطاء / لابد أن یکون للجمیع / ترابنا ذهب / وعزمننا لهب» (العیسی، ۲۰۰۵: ۱۲).

مشخص است، خواننده در برخورد با هر کدام از نمونه‌های مذکور، تکرار یک یا چند حرف را احساس می‌کند که این امر، آهنگی خاص به شعر کودکانه او بخشیده است، آهنگی که نوعی هم‌نوایی را در میان کلمات فراهم می‌آورد. این هم‌نوایی یا ایقاع درونی، یکی از موارد موسیقی درونی شعر است که در مثال‌های مذکور، تکرار حرفی خاص آن را پدید آورده است.

به طور کلی، می‌توان اذعان کرد که شاعر به خوبی توانسته میان مفاهیم شعری خویش که مخاطب آن کودک است، و واژگان انتخابی و موسیقی آن‌ها هماهنگی ایجاد

کند و از این رهگذر، پیوندی محکم میان شعر و موسیقی آن برقرار سازد. در شعر «السَّاحَاتُ الصَّغِيرَاتُ» نیز العیسی، از هردو نمونه تکرار واژه و تکرار واج در یکجا استفاده نموده است. این نوع تکرار علاوه بر اینکه موسیقی مناسبی ایجاد می‌کند، بافت واژگانی زیبا هم در شعر به وجود می‌آورد:

«هَلَا هَلَا هَلَا / الصَّيْفُ أَقْبَلَا / وَغَمَمْتُ فِي الشَّطِّ مَوْجَتَانِ / فَهَدْتُ، وَسَلَمِي أَخْتَهُ،
يَدَانِ / بِالْمَاءِ تَعْبَثَانِ / فِي الْمَوْجِ تَطْفِرَانِ / هَلَا هَلَا هَلَا / الصَّيْفُ أَقْبَلَا / كَالسَّمِكِ
الصَّغِيرِ أَصِيحُّ / وَ الشَّطُّ مِنْ حَوْلِي مُرْنَحٌ / هَلَا هَلَا هَلَا / الصَّيْفُ أَقْبَلَا» (العیسی، ۲۰۰۵: ۱۸)

در ادبیات فارسی نیز، یکی از پیامدهای گرایش به ادبیات عامیانه در شعر معاصر، گرایش به شعر کودک است؛ که در این میان، اشعار نیما یوشیج با سود جستن از مشترکات دنیای شعر و کودکان توانسته است در زمره شعرهای مناسب کودکان قرار گیرد (حجازی، ۱۳۸۵: ۳۶).

به دنبال نیما، احمد شاملو نیز از شاعران برجسته فارسی است که اشعار «بارون»، «پریا»، «قصه دخترای ننه دریا»، «قصه مردی که لب نداشت» را با ساختاری کودکانه سرود و فروغ فرخزاد که در برخی از شعرهایش رنگ و بوی کودکی حس می‌شود. بعد از ایشان، گلچین گیلانی را می‌توان به عنوان برجسته‌ترین شاعر کودک نام برد که شعر زیبایی «باران» یکی از شاهکارهای معروف ادبیات کودک است، شعری که ساختار موسیقایی و وزنی مناسب دنیای کودکان را در بر دارد (محمدی، قاینی، ۱۳۸۴: ۷۵۶).
از شاعران دیگر شعر کودک در ادبیات فارسی در تطبیق با هم‌تایان عربی، می‌توان به عباس یمینی شریف، پروین دولت‌آبادی و محمود کیانوش اشاره کرد که در ادبیات کودکان نامی پرآوازه دارند.

«نیما با نوآوری در وزن، انعطافی را که وزن شعر فارسی برای شکل‌گیری شعر کودک بدان نیاز داشت، پدید آورد؛ مثلاً می‌توان به استفاده از ویژگی‌های وزن و موسیقی شعر عامیانه در شعر رسمی اشاره کرد... نیما با درهم شکستن مرز بین کلمات شاعرانه زمینه‌های استفاده از کلمات، الفاظ و اصواتی را در شعر فراهم آورد که تا پیش از آن ورود آن‌ها به شعر جدی، ممنوع بود. کلمات، الفاظ و اصواتی که بعدها در کار شاعران

کودک به واژه‌های کلیدی و پرکاربرد بدل شدند از جمله کلماتی که معرف صدای حیوانات و اصوات طبیعت و اشیاست و تا پیش از نیما در زمره کلمات عامیانه و غیر شعری قرار گرفتند» (رجب‌زاده، ۱۳۷۴: ۱۲). همان تکرار آواها که در شعر کودک عربی بدان اشاره شد.

به عنوان نمونه، نیما در شعر «خروس می‌خواند» چند بار واژه «قوقولی قو» را تکرار کرده است:

«قوقولی قو، خروس می‌خواند/ از درون نهضت خلوت ده/ ... قوقولی قو، بر این ره تاریک/ کیست کو مانده؟ کیست کو خسته است؟ قوقولی قو، ز خطه پیدا/ می‌گریزد، سوی نهان، شب کور/.. قوقولی قو، گشاده شد دل و هوش/ صبح آمد، خروس می‌خواند» (یوشیج، ۱۳۷۳: ۴۲۰)

این بعد از ساختار موسیقایی، بعد از نیما مورد تقلید تمام شاعران کودک قرار گرفت. از جمله عباس یمینی شریف که در شعر خروس جنگی، صوت خروس را به تکرار آورده است.

«من که به این قشنگی‌ام/ با پر و بال رنگیم/ یکه خروس جنگیم/ قوقولی قو/ ببین ببین تاج سرم/ ببین ببین بال و پر/ این قد و بالا و برم/ قوقولی قو...» (یمینی شریف، ۱۳۷۳: ۴۵)

با دقت در ابیات بالا، مشاهده می‌شود که شاعر با بهره‌گیری از تکرار واجی، به تعبیری واج آرایبی و نیز تکرار الفاظ و آواها، نوعی موسیقی دلنشین و باب میل کودک خلق نموده که تمام فضای شعر او را تحت تأثیر قرار داده است، و یا آنجا که شاعر با هنرمندی تمام، حیوانی به نام مرغ را برای مخاطب خردسالش معرفی می‌کند. او با استفاده از نام آواهای مربوط به حیوانات، در پی تکرار و ایجاد فضایی شاد توأم با موسیقی الفاظ مختلف است:

«قدقددا قدقددا/ آی بچه‌ها آی بچه‌ها/ این تخم را من کرده‌ام/ با آن سفیده زده‌ام» (همان: ۴۵)

تکرار نام آواها در واقع القای تجربه شنیداری است و کودک بدین وسیله با صداها آشنا می‌شود.

نمونه دیگر شعر فارسی، شعری از کشاورز با عنوان «به پشت بوم رسیدم» است، شاعر در آن، از آرایه تکرار برای ایجاد موسیقی بهره می‌گیرد. تکرار فعل دویدم و آمدن صوت «قار قار» کلاغ به موسیقی بیرونی شعر می‌افزاید. فعل‌های «بود، کرد و نکرد» که ردیف‌های شعر مذکور هستند؛ بر گیرایی موسیقی حاصل از این تکرار هنرمندانه افزوده است:

«دویدم و دویدم/ به پشت بوم رسیدم/ دیدم رو خونه‌مونه/ نزدیک آسمونه/ آسمونه آبی بود/ خورشیدش آفتابی بود/ دیدم کلاغی خسته/ روی کولر نشسته/ تا منو دید فرار کرد/ ترسید و قار قار کرد» (کشاورز، ۱۳۸۷: ۵۲)

شعبانی نیز در شعر «خدا خدا» تکرار را به اوج خود رسانده است. عبارت «خدا خدا» و واژه «داده» در تمام مصراع‌ها ردیف شعر هستند. در بیت اول، سوم و هفتم ردیف میانی نیز وجود دارد. در تمام سروده‌های او موسیقی قوی که به کمک وزن شعرها، شکلی منسجم به شعرها داده است به چشم می‌خورد:

«کی به ما چشم داده، گوش داده؟/ خدا خدا/ کی به ما عقل داده هوش داده؟/ خدا خدا/ کی به ما دهان و دست و پا داده؟/ خدا خدا/ کی به ما مامان داده بابا داده؟/ خدا خدا و.../ دست چپ/ دست راست/ دست کیه؟- دست ماست» (شعبانی، ۱۳۸۸: ۱۱-۹)

تکرار دست در هر چهار مصراع، تضاد میان کلمات چپ و راست و واج‌آرایی صامت‌های «د» و «س» موسیقی درونی شعر را پر بارتر کرده است. شایان ذکر است که «صامت‌های «ش و س» از جمله صامت‌هایی هستند که به آن‌ها صامت‌های فرسایشی یا «همخوان‌های پیوسته» می‌گویند و برای نشان دادن صداهایی که از حرکت اجسام و پدیده‌ها تولید می‌شوند از آن‌ها استفاده می‌شود» (باقری، ۱۳۸۴: ۱۰۷). شعر «مادر بزرگ»/ افسانه شعبان‌نژاد دارای چنین ویژگی هست. تکرار صامت «ش» و «س» در تمام مصراع‌ها نوازندگی خاصی به شعر بخشیده است:

«مادر بزرگ وقتی اومد خسته بود/ چارقده‌شو دور سرش بسته بود/ صدای کفشش که اومد، دویدم/ دور گلای دامنش پریدم/ بوسه زدم روی لپاش/ تموم شدن خستگی‌هایش» (شعبان‌نژاد، ۱۳۷۹: ۱)

بدین ترتیب، پدیده تکرار و آوردن یک صامت معین در فواصل خاص از سخن و تکرار صوت و در نتیجه برخورد آن‌ها باهم، از شیوه‌های رایج و شایع در حوزه موسیقایی شعر

کودک عربی و فارسی است. شاید بتوان ادعا کرد که ایجاد موسیقی و آهنگ از طریق تکرار صامت و مصوت، بیش از هر چیز دیگر مورد توجه شاعر کودک عربی و فارسی بوده است.

وزن و قافیه

بی تردید وزن هر شعر باید ارتباطی مناسب و منطقی با درونمایه آن داشته باشد، به دیگر سخن، «شاعر باید هماهنگی بین هدف و مقصود شعر را با وزن و قافیه انتخابی رعایت کند تا تأثیر دل انگیز شعرش دو چندان گردد و اگر این هماهنگی رعایت نشود، ناهماهنگی میان محتوا و وزن به وجود می‌آید؛ زیرا برای سرودن اشعار با محتوایی شاد، وزنی تند و شاد و ضربی مناسب است و برای سرایش شعر با محتوایی که بیانگر درد و رنج و غصه باشد، بایستی وزنی سنگین برگزیند و به طور کلی با توجه به حالت عاطفی و محتوایی شعر با وزن و قافیه‌ای خاص مطابقت می‌کند» (زمانیان، ۱۳۷۷: ۱۳۸-۱۳۷).

از سویی، قافیه نیز نوعی همصدایی است که در آخر کلمات می‌آید. مک را، قافیه را انطباق کلمات یا هجاهایی می‌داند که هنگام صحبت یک صدا دارند (مک را، ۱۹۹۸: ۱۵۱). از آنجایی که یکی از راه‌هایی که باعث ایجاد خیال در شعر می‌شود و آن را از سطح سخن عادی بالاتر می‌برد، وزن شعر است؛ شاعر کودک نیز با آگاهی از این موضوع تلاش می‌کند تا با ایجاد تنوع در وزن شعر، کودک را به شعر خویش دعوت کند. اهمیت وزن و قافیه در شعر کودک تا آنجاست که گروهی از شاعران در پی ایجاد وزنی تازه برای آن هستند. در شعر کودک گاه شاعر قافیه را به همان ترتیب شعر قدیم عرب رعایت کرده و شعر را بر همان وزن‌های معمول می‌سراید و گاه تغییراتی در نظام وزن و قافیه ایجاد می‌کند. // العیسی در شعر «النهرُ یقولُ» از زبان رودخانه چنین می‌گوید:

«میاهی تَنْتَشِرُ الخُضْرَةَ / وَتَسْقِي النَّاسَ والأَرْضَ / عَطَائِي الزَّرْعُ والنُّضْرَةَ / أُسِيرُ، فَأَنْعِشُ الأَرْضَ / أنا النهرُ الذی اجتمعوا / ینابیعاً... وأمطاراً / وَشَقَّ الدَّرَبَ واندفعاً / ینضَّرُ حَيْثُما سارا / جَعَلْتُ حیاتکم أحملى / فُراتاً كُنْتُ أو نیلا» (العیسی، ۲۰۰۵: ۳۰)

شاعر در ابیات بالا سعی کرده است شعر را از نظم معهود عروضی خارج نکند؛ به طوری که ترتیب قرار گرفتن الفاظ و طول مصرع‌ها خود باعث خلق موسیقی دلنشینی

در آن شد است. از سویی، واژه‌های «خضرة، نضرة»، «اجتمعا و اندفعا» و... قافیه‌های شعر را تشکیل می‌دهند. با تأمل در ساختار شعر، مشاهده می‌شود که شاعر در گزینش قافیه، خود را به سختی نمی‌اندازد و دستش در انتخاب و جایگزینی آن‌ها بازتر است و با قافیه‌های متعدد در شعر به دنبال رسیدن به هدف مطلوب خود که لذت کودک است، می‌باشد.

یا آنجا که در شعر «فلسطین داری» شاعر توانسته است به خوبی، نظم و هماهنگی را در طول مصراع‌ها و نیز چیدمان هجاهای هر مصرع ایجاد نموده و با آوردن واژه‌های «داری، انتصاری، بلادی و فوادی» به عنوان قافیه، وزن شعر خود را سامان بخشیده است:

«فلسطین داری / ودربُ إنتصاری / تظلُّ بلادی / هوئی فی فوادی...» (العیسی، ۲۰۰۵: ۵)

اما شاعر عرب، گاه پا از محدوده وزن و قافیه کلاسیک عرب بیرون نهاده و برای رسیدن به هدف مطلوب خود، دست به تغییراتی در فضای وزن و قافیه شعر کودک می‌زند. شعر «لجميع»، نمونه‌ای است که شاعر در آن با قوافی متعدد، مطابق با فهم کودک خردسال، شعر خود را ریتم و آهنگی خوشایند داده است تا برای کودک دلبپذیر و قابل قبول باشد:

«النورُ للجميع / والحبُّ للجميع / وأرضنا السَّمراء / والخيرُ والعطاء / لابدَّ أن يكونَ للجميع / تراينا ذهب / وعزمننا لهب / نبنی به البلاد / نواصل الجهاد / لوحدة العرب / لأمة العرب / النورُ للجميع / والحبُّ للجميع / من زهرة بعینها / لا یصنع الربیع / تساندى تساندى / یا وحدة السّواعد / غلالنا الخضراء / والخیر والعطاء / لابدَّ أن يكونَ للجميع...» (العیسی، ۲۰۰۵: ۱۲)

شاعر در ابیات بالا، اتحاد را در قالب واژگانی قابل فهم و لطیف برای کودک به تصویر می‌کشد. او برای رسیدن به این هدف، خود را در بند قافیه گرفتار نمی‌کند. طول مصرع‌ها را به اختیار خود کم و زیاد می‌کند، در انتخاب قافیه و جایگاه‌ها آن‌ها آزاد است. تنها توجه او به موسیقی حاصله از الفاظ است که بتواند محتوای شعر را برای کودک قابل فهم نماید.

نمونه دیگر از این هنجارشکنی در وزن و چه بسا قافیه در شعر «وطنی» از العیسی مشاهده می‌شود:

«وطنی، أشجارٌ وظلالٌ / وترابی قَمَحٌ وغللٌ / أُنْفِیَا ظَلْکَ یا وطنی / وَأَحَبُّ تُرَابِکَ یا وطنی / أرضُ الأجداد / وطن الأمجاد» (العیسی، ۲۰۰۵: ۱۳)

شاعر در این شعر حس میهن دوستی را در مخاطب خردسال خود تقویت می‌کند. او با بهره‌گیری از الفاظ و سنت شکنی در طول مصرع‌های شعر و نیز قوافی آن‌ها از تاریخ شکوهمند سرزمینش، خاک حاصلخیز و درختان و زمینش برای کودک صحبت می‌کند. یا در شعر «العید» که با تعدد قافیه متناسب با فهم کودک مواجه هستیم که یکی از ویژگی‌های شعر کودک است. شاعر برای غنای موسیقایی از آن بهره برده است. او به درستی می‌داند که دنیای کودکان با موسیقی آمیخته شده است. از این رو، با بکار بردن عبارات کوتاه همراه با قافیه و موسیقی منسجم تبحر خود را در به کار بردن قافیه نشان می‌دهد:

«ثيابٌ جدیدةٌ / وجوهٌ سعیدهٌ / أقبلُ ماما / أقبلُ بابا / وأهتفُ: عید / سعیدٌ سعیدٌ / الأقی رفاقی / برأسِ الزقاق / أراجیحٌ تَغدو / أراجیحٌ تُقبل / وتَصعدُ دعدٌ / وغسَّانٌ ینزل / ونَهتفُ: عید / سعیدٌ سعیدٌ / ندورٌ ندورٌ / ویطغی السرورُ / علی کُلِّ قلبٍ / وفی کُلِّ دَرَبٍ / أراجیحٌ نور / وَدُنیا حُبور / ونَهتفُ: عید / سعیدٌ سعیدٌ» (العیسی، ۲۰۰۵: ۱۸)

در ابیات بالا، شاعر در وزنی طرب انگیز با تعدد قوافی، عید را برای کودک تصویرسازی کرده است. روزی که شادی در آن موج می‌زند، شاعر در این ابیات توجهی به وزن و قافیه عروضی معهود عرب ندارد، عنصر تکرار در کنار عبارات کوتاه با قافیه‌های متعدد، باعث خلق موسیقی لطیفی در شعر شده و ساختار آن را غنا بخشیده است.

در تطبیق با این بعد از ساختار موسیقایی شعر کودک عربی، در ادب فارسی نیز وزن کمی و کلاسیک شعر گاه در شعر کودک، دچار تغییرات عمده‌ای می‌شود، شاعر بی آنکه از زیبایی موزیکی وزن قدیم شعر بکاهد، قید تساوی را از شعر برداشته و دستش را در اختیار قافیه باز نموده است. کوتاه و بلندی مصرع‌ها و تغییر اوزان از ویژگی‌های شعر اوست و زبان این اشعار اغلب محاوره است (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۴: ۶۴-۶۳). در یک نگرش کلی وزن و قافیه در شعر کودک فارسی به دو بخش تقسیم شده است: نخست

اشعاری که وزن آن‌ها کمی و کاملاً عروضی است. دوم اشعاری که از شکل کلاسیک و عروض سنتی خارج هستند (آذرمان، ۱۳۹۳: ۱۰۷).

«من یک دوچرخه / در خانه دارم / با چشم بسته / بر آن سوارم / از این دوچرخه / خوش رنگ‌تر نیست / یک روز قرمز / یک روز آبی است / زین قشنگش / از جنس چرم است / مثل پر قوست / از بس که نرم است...» (قاسم نیا و دیگران، ۱۳۸۶: ۲)

مشاهده می‌شود که ابیات بالا شعری است که کاملاً منطبق با عروض سنتی سروده شده است به طوری که تعداد هجا، جایگاه قافیه و اندازه مصرع‌ها همانند شعر بزرگسال از سوی شاعر رعایت شده است. اما شاعر کودک فارسی نیز گاه دچار تغییراتی در وزن و قافیه می‌شود و برخی در هیچ کدام از اوزان عروضی جای نمی‌گیرند. مانند شعر زیر:

«مامان میگه: بزرگ شدی / خودت برو تنها بخواب / بابا میگه: موقع خواب / خودت بخون از رو کتاب / کاشکی که من کوچیک بودم / کوچیک‌تر از سن حالام / تا که مامان خوابم می‌کرد / قصه می‌گفت برام بابام» (همان: ۴)

با دقت در نظم کمی این ابیات، دریافت می‌شود که وزن آن مطابق با هیچ یک از اوزان معهود شعر سنتی فارسی نیست و بلندی و کوتاهی هجاها در آن دیده می‌شود. از سویی قافیه نیز به همان شکل معمول خود در شعر دیده نمی‌شود و چه بسا جایگاه آن متغیر است.

نمونه دیگر شعر «حسنی بی دندون» اثر شاعر معاصر کودک فارسی است که شاعر در آن به دنبال القای مفاهیم کودکانه برای مخاطب خردسال خود، وزن و قافیه را نادیده می‌گیرد و تنها به دنبال توجه به ساختار موسیقایی شعر خود است تا بر اساس ذهنیت کودک آن را خلق نماید:

«حسنی بی دندون شده / زار و پریشون شده / بی احتیاطی کرده.. / با دندوناش شکسته / بادوم سخت و پسته / مک زده به آب نبات / هی جویده شکلات / قندونو خالی کرده / وی که چه کاری کرده» (کوثری هنرمند، ۱۳۹۳: ۴)

با تقطیع هجایی این شعر نیز در خواهیم یافت که وزن شعر متغیر است و یافتن ارکان عروضی یکسان برای آن تنها با توجیحات بسیار امکانپذیر خواهد بود. چراکه شاعر در ابیات مختلف آن وزن‌های جداگانه‌ای به کار برده است که با بیت سابق آن هماهنگی

ندارد. در شعر دیگری از فرخزاد، واژه‌ها و ترکیباتی که شاعر انتخاب کرده ساده و متناسب فهم کودک است؛ مهم‌تر اینکه موسیقی آن به ذهنیت کودک نزدیک است و کودک بدون درک مفهوم شعر از موسیقی لذت می‌برد؛ «چون شعر کودک بر پایه موسیقی اصوات و کلمات بنا شده و ابزاری برای بازی، حرکت و آواز کودک است» (حجازی، ۱۳۸۵: ۱۴۷).

«علی کوچیکه سحر شده بود/ نقره نابش رو می‌خواست/ ماهی خوابش رو می‌خواست...» (فرخزاد، ۱۳۷۶: ۳۹۱)

یا گلچین گیلانی در شعر «بارا» که با قافیه سازی کودکانه ذهن کودک را علاقه‌مند به خواندن ادامه شعر می‌کند:

«کودکی ده ساله بودم/ شاد و خرم/ نرم و نازک/ چست و چابک/ از پرنده، از چرنده، از خزنده/ از خزنده بود جنگل گرم و زنده» (گلچین گیلانی، ۱۳۸۹: ۲۰۹)

و نمونه دیگر در تطبیق با اشعار عربی، در شعر «لی لی لی حوضک» از شعبان نژاد است که در آن، هر بیت ردیفی جداگانه دارد. در مصراع‌های اول تا چهارم کلمات «است و گفت»، در مصراع‌های پنجم و ششم واژه «کرد» و در مصراع‌های هفتم و هشتم واژه «بود» به عنوان ردیف به کار رفته است و شعر را از لحاظ موسیقایی غنی‌تر کرده است. همچنین در هر بیت قافیه نیز وجود دارد. هم قافیه شدن واژه‌های «قشنگ و رنگ»، «شیر و دیر» «نگاه و قاه» و «سیاه و ماه» موسیقی شعر را به اوج رسانده است:

«این یکی گفت: قشنگ است/ این یکی گفت: سینی نقره رنگ است/ این یکی گفت: شاید که ظرف شیر است/ این یکی گفت: زود بدوم که دیر است/ به ظرف شیر نگاه کرد / نشست و قاه قاه کرد/ لباس شب سیاه بود/ شیر نبود، عکس ماه بود» (شعبان نژاد، ۱۳۸۳: ۲۰)

نتیجه بحث

با بررسی تطبیقی ساختار موسیقایی در شعر کودک فارسی و عربی و مهم‌ترین مؤلفه‌های ساختار موسیقایی در شعر کودک عربی و فارسی، تکرار و وزن و قافیه، نتایج زیر حاصل شد:

با توجه به اینکه در شعر کودک مخاطبان این اشعار کودکان هستند، به همین دلیل در زبان عربی و فارسی، این نوع از شعر، ساختار شعری منحصر به فردی دارد. آهنگین بودن یکی از عناصر اصلی شعر کودک در ادبیات عربی و فارسی است، از این رو موسیقی نقش مهمی در آن دارد و آنچه مهم است، موسیقی حاصل از الفاظ و هجاهاست؛ در شعرهای خردسالان در هر دو ادبیات، وزن‌های هجایی سهم بیشتری دارد.

اینکه شعر کودک عربی و فارسی حتما باید از وزن و قافیه برخوردار باشد، با این توضیح که شاعر کودک هرگز خود را در بند عروض سنتی گرفتار نمی‌کند و متناسب با فضای موسیقایی شعر خود، تغییراتی در وزن و قافیه ایجاد می‌کند. اما با این وجود، بیشتر وزن‌هایی که در شعر کودک به کار رفته است بحرهای رمل، رجز و هزج و به طور کلی وزن‌های طرب‌انگیز و شاد هستند.

آرایه تکرار به ایجاد موسیقی در شعر کودک عربی و فارسی کمک شایانی کرده و شعر را موزون تر می‌سازد. تکرار به صورت‌های مختلف از جمله تکرار حرف، اسم صوت، فعل و اسم در شعر عربی و تکرار واژه، فعل و صامت در شعر فارسی کودک ظاهر شده است که از میان آن‌ها تکرار حرف از بسامد بالایی برخوردار است.

کتابنامه

- احمدی، بابک. ۱۳۷۲ش، **ساختار و تأویل متن**، تهران: مرکز. ایمن، لیلی، توران خمارلو و مهدخت دولت آبادی. ۱۳۵۴ش، **گذری در ادبیات کودکان**، تهران: چاپخانه کیهانک.
- باقری، مهری. ۱۳۸۴س، **قهرمان زبان شناسی**، تهران: قطره.
- پولادی، کمال. ۱۳۸۷ش، **بنیادهای ادبیات کودک**، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- چامسکی، نوآم. ۱۳۶۲ش، **ساخت‌های نحوی**، ترجمه احمد سمیعی، چ اول، تهران: خوارزمی
- حجازی، بنفشه. ۱۳۷۷ش، **ادبیات کودکان و نوجوانان، ویژگی‌ها و جنبه‌ها**، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- خسرونژاد، مرتضی. ۱۳۸۹ش، **دیگر خوانی‌های ناگزیر: رویکردهای نقد و نظریه ادبیات کودک**، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- رحمان دوست، مصطفی. ۱۳۶۸ش، **صد دانه یاقوت**، تهران: محراب قلم.
- رحمان دوست، مصطفی. ۱۳۸۴ش، **پرنده گفت: به به**، چاپ اول، تهران: محراب قلم، کتاب‌های مهتاب.
- رستگار فسایی، منصور. ۱۳۸۰ش، **انواع شعر فارسی**، شیراز: نوید.
- زمانیان، صدر الدین. ۱۳۷۷ش، **بررسی اوزان شعر فارسی (عروض و قافیه)**، تهران: انتشارات فکر روز.
- سعیدی، سهراب. ۱۳۹۰ش، **دنیای ادبیات کودک و نوجوان**، تهران: دار التفسیر.
- سلاجقه، پروین. ۱۳۸۷ش، **از این باغ شرقی (نظریه‌های نقد شعر کودک و نوجوان)**، چاپ دوم، تهران: کانون پژوهشی فکری کودکان و نوجوانان.
- سهراب (مافی)، معصومه. ۱۳۷۲ش، **۱۷ مقاله درباره ادبیات کودکان**، چاپ اول، تهران: شورای کتاب کودک.
- شعبان‌نژاد، افسانه. ۱۳۷۹ش، **بادبادک و کلاغه**، مشهد: شرکت به نشر.
- شعبان‌نژاد، افسانه. ۱۳۸۳ش، **آی زنگوله آی زنگوله**، چاپ سوم، مشهد: شرکت به نشر کتاب‌های پروانه.
- شعبانی، اسدالله و گروه شاعران خانه شعر کودک. ۱۳۸۸ش، **ترانه‌های بابایی**، ویرایش: مینو کریم‌زاده، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- شعبانی، اسدالله. ۱۳۸۸ش، **خدا خدای مهربان**، چاپ سوم، مشهد: به نشر - انتشارات آستان قدس رضوی، کتاب‌های پروانه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۷۶ش، **موسیقی شعر**، چاپ پنجم، تهران: انتشارات نقش جهان.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۸۶ش، آینه‌ای برابر صدها، تهران: آگاه.
صفدی، بیان. ۱۹۷۷م، شعر الأطفال فی الوطن العربی، بی‌جا: بی‌نا.
العاکوب، عیسی علی. ۱۴۲۳ق، العاطفة والإبداع الشعری، الطبعة الاولى، القاهرة: دار الفکر.
علی پور، منوچهر. ۱۳۷۹ش، پژوهشی در شعر کودک، چاپ اول، تهران: انتشارات تیرگان.
غفاری، سعید. ۱۳۷۹ش، گامی در ادبیات کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران: انتشارات دبیزش.
فرخزاد، فروغ. ۱۳۷۶ش، دیوان اشعار، چاپ پنجم، تهران: انتشارات مروارید.
قاسم نیا، شکوه، اسدالله شعبانی، حسین احمدی، افشین علا و جعفر ابراهیمی. ۱۳۸۶ش، شعرهای شیرین برای بچه‌ها، مجموعه ۲۰جلدی، تهران: قدیانی.
قلی زاده، حیدر. ۱۳۸۳ش، نقش ساختار دستوری در ترجمه قرآن کریم، دانشگاه تربیت معلم آذربایجان.

کشاورز، ناصر. ۱۳۷۶ش، از برگ گل بهتر، چاپ اول، تهران: سروش و انتشارات صدرا
کوثری هنرمند، مریم. ۱۳۹۳ش، حسنی بی دندون، تهران: انتشارات اردیبهشت.
کیانوش محمود. ۱۳۵۲ش، شعر کودک در ایران، تهران: انتشارات نگاه.
کیلانی، کامل. بی‌تا، دیوان کامل کیلانی للأطفال، موقع صفحات:

www.safahat.org

گلچین گیلانی میر فخرایی، مجدالدین. ۱۳۸۹ش، مجموعه اشعار، گردآوری و تدوین کامیار عابدی، چاپ اول، تهران: فرهنگ ایلیا.
محسنی، احمد و محمد کاظم مزینانی. ۱۳۸۷ش، اتل مثل ترانه، شعرهای کودکان، تهران: افق.
محسنی، احمد. ۱۳۸۲ش، ردیف و موسیقی شعر، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
ناظمی، یحیی. ۱۳۸۵ش، ادبیات کودکان، رویکردی بر قصه‌گویی و نمایش خلاق، تهران: چاپار.
وحیدیان کامیار، تقی. ۱۳۷۴ش، فرهنگ نام آوایی فارسی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
یمینی شریف، عباس. ۱۳۷۳ش، نیم قرن در باغ شعر کودکان، تهران: انتشارات روش نو.
یوشیج، نیما. ۱۳۷۳ش، مجموعه اشعار، تدوین سیروس طاهباز، چاپ سوم، تهران: انتشارات نگاه.

مقالات

آذرمان، حشمت الله. ۱۳۹۳ش، «وزن شعر کودک: عروضی؟ هجایی؟ یا تکیه‌ای - هجایی؟»، ویژه نامه زبان و گویش ادب پژوهشی، شماره سی‌ام.
آقاحسینی، حسین و زینب زارع. ۱۳۹۰ش، «تحلیل زیباشناختی ساختار زبان شعر احمد عزیزی بر اساس «کفش‌های مکاشفه»»، مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی، سال سوم، شماره دوم.

جلالی، مریم. ۱۳۹۰ش، «آهنگ تکرار در شعر کودک فارسی و عربی»، کتاب ماه کودک و نوجوان، ۱۷۱.

جمالی، شهرروز. ۱۳۸۳ش، «تکرار، اساس موسیقی در شعر»، کیهان ورزشی، شماره ۲۱۶.

حسام‌پور، سعید و مهسا مؤمن نسب. ۱۳۹۲ش، «عناصر شعری در آثار رحماندوست (مطالعه موردی بررسی مجموعه‌های چشمه نور و صددانه یاقوت)»، پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی - پژوهشی).

حق‌شناس لاری، علی محمد و دیگران. ۱۳۸۸ش، «شعر کودکان و پیدایش زیبایی‌شناسی کلامی در کودکان»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، سال ۶.

رجب‌زاده، شهرام. ۱۳۷۴ش، «درآمدی بر شناخت فضاهای کودکان در شعر فارسی»، پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۲، صص ۲۱-۶.

العیسی، سلیمان. ۲۰۰۵م، «دیوان الأطفال»، مجلة کتاب فی جریده، عدد ۸۴.

گرجامی، جواد و عادل آزاددل و علی علیزاده. ۱۳۹۴ش، «بررسی تطبیقی شعر کودک در زبان فارسی و عربی».

Bibliography

- Ahmadi. B (1372), Structure and interpretation of text, Tehran, Center. Imen, Leily, Khomarlo, Toran, Dolat Abadi, Mahdokht (1354), A passage in the children's literature, keihanak printing house.
- Azarmakan. H (1393), children's poetry weight: Prosodic? Satiric? Or Leaning- Satiric?, Language and Literature Specialty Letter, No. 30.
- Aghahosseini.H , Zare.Z , (1390), Aesthetic analysis of the structure of Ahmad Azizi's poetry language based on (the shoes of Revelation), Journal of Linguistics Research, Third year, number two.
- Bagheri.M , (1384), Linguistic hero, Tehran: Drop.
- Polladi.K , (1387), Child Literature Foundations, Tehran: Center for Intellectual Development of Children and Young Adults.
- Jalali.M, (1390), Repeat songs in Persian and Arabic poetry, Baby and Teen Moon, 171.
- Jamali.SH , (1383) , Repeat, the basis of music in poetry, the cosmos of sport, No. 216.
- Chomesky.N , (1362), Syntax, Translation by Ahmad Samiei, First Edition, Tehran: Kharazmi.
- Hejazi.B , (1377) , Literature for children and teenagers, Features and Aspects, Tehran: Enlighteners and Women's Studies.
- Hessampour.S , Momen-nasab.M , (1392), Phenomenological elements in the works of Rahman-Dost (Case study of the collection of light sources and centipede of ruby), Stratigraphic Research (Scientific - Research).

- Hagh-SHenas-Larry. A.M and al. , (1388) , Children's poetry and the emergence of verbal aesthetics in children. Literary Research Quarterly, Year 6.
- Khasronezhad.M , (1389) , Other Imminent Readings: The Critique and Theory of Child Literature Approaches, Tehran: The Center for the Intellectual Development of Children and Young People.
- Rajabzadeh.SH, (1374), An Introduction to the Recognition of Children's Spaces in Persian Poetry, Child and Young People, No. 2, p. 21-6.
- Rahmandost.M , (1384), The bird said very well, Tehran, Mehrbar Pen, Moonlight Books, First Edition.
- Shabani nejhady, Afsaneh (1368), One hundred rubies of ruby, Tehran, pen pendant.
- Rastgarfasaie.M , (1380), Types of Shoranship, Shiraz, Nawid.
- Zamanian.S , (1377) , Investigating the Weights of Knowledge (Convulsions and Rhymes), Tehran: Mind Day's Publishing.
- Saidi, Sohrab (1390), The world of child and adolescent literature, Tehran, DarolTafsir.
- Salajegeh, Parvin (1387), From this oriental garden (Theories of criticism of child and adolescent poetry), Second edition, Tehran: Research center for children and young people.
- Sohrab (Mafi), Massoumeh (1372), 17 articles on children's literature, First edition, Tehran: Child book council.
- Shabani nejhady, Afsaneh (1383), Ay zanguleh Ay zanguleh, Mashhad, Behnashr company butterfly books third edition.
- Shabani nejhady, Afsaneh (1379), Kite and claw, Mashhad. Behnashr company.
- Shabani, Asadollah (1388), God kind God, Third edition, Mashhad, astan Quds Razavi publishing, Butterfly books.
- Shabani, Asadollah and poetry department of poetry house (1388), Babaies songs, Edit: Mino karimzadeh, Tehran: Fostering childrens and teens.
- Shafie kadmeh, Mohammad Reza (1386), Mirroris equal to hundreds, Tehran: Agah.
- Shafie kadmeh, Mohammad Reza (1376). Poetry music, Fifth edition, Tehran. Nagshe jahan edition.
- Safadi, Bayan, (1977m) Poetry of children in the arab homeland, Bija.
- Alakob, Isa Ali (1423h,g), Edition and poetry, First edition, cario: Darolfekr.
- Alipour, Manouchehr(1379), Reaserch in child poetry, First edition, Tehran: Tiregan publishing.
- Alisa, Soleyman, (2005m) childrens diwan, A book magazine in greda, Number 84.
- Ghafari, Saeed(1379), As tep in the literature of children and adolescents, First edition, Tehran: Debyzash publishing.
- Farrokhzad, Frog (1376), Poems, Fifth edition, Tehran, Morvarid publishing.
- Ghasemnia, Shokoh, Asadollah Shabani, Hossein Ahmadi, Afshin aala and Jafar ebrahimi(1386), Sweet poems for kides, Twenty volume collection, Tehran: Gadyani.
- Golizadeh, Heydar(1383), The role of the grammatical structure in the transiation of the Holy Quran, Tarbiat moallem university of Azarbaijan.
- Kianoush Mahmoud(1352) , Child poetry in Iran, Tehran: Negah publishing.
- Keshavarz, naser(1376), Better than flower leaves, Tehran, Soroush and Sadra publishing, First edition.
- Kosari, Honarmand, Maryam (1393), Toothless hasani, Tehran: ordibehesht publishing.
- Kilani, kamel, Bita, childrens poems of kilani, Timely pages. www.fasahat.org.
- Garjami, Javad, Azaddel, Alizadeh, Ali (1394) comparative study of child poetry in Persian and Arabik.

- Gilani Mir Fakhraei.G , Majdaddin(1389), Collection of poems, compilation and editing by Kamyar Abedi, First edition, Tehran: Culture of Ilia.
- Mohseni.A , (1382), Poetry and Poetry Music, Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad.
- Mohseni.A, Mazinani.M.K , (1387), Atal Matal Taraneh, Childish Poems, Tehran: Horizon.
- Nazemi.Y , (1385) , Children's Literature, An Approach to Storytelling and Creative Performance, Tehran: Chapar.
- Vahidian Kamyar.T , (1374), Farsi Phrasebook Culture, Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad.
- Yemini Sharif.A , (1373), Half Century in Children's Poetry Garden, Tehran: New Method Publishing.
- Youshij.N , (1373), Collection of Poems, Compilation of Sirous Tahebaz, Third Edition, Tehran:Negah publication.

